

تعریف جدیدی از «ابله»*

ماریو وارگاس یوسا

ترجمه آزاده آل محمد

۴۱

می‌پندارد که ما تهی هستیم چون آنان توانگرند و به عکس؛ می‌پندارد تاریخ، توطئه توفیق آمیز پست فطرتان علیه نیکان است؛ می‌پندارد تبه کاران همواره پیروزمندند و نیکان همواره بازنده (به هر صورت همیشه خویشتن را در زمره قربانیان تهی دست و نیکان بازنده می‌شمارد). با تهاجکی خطوط الکترونیکی اینترنت را می‌پیماید و بدون توجه به تضاد موجود در نظریه‌اش، نسبت به فرهنگ مصرفی ابراز بی‌زاری می‌کند. با صدای لرزان می‌گوید: «دانشم را از زندگی آموخته‌ام نه از لابلای کتاب‌ها؛ از اینرو است که فرهنگ من زنده است، نه کتابی.» این سخنگو کیست؟ «ابله» آمریکای لاتینی است.

سه نویسنده (هر سه اهل آمریکای لاتین) در کتابی به نام «راهنمای شناخت ابله تمام بخیار آمریکای لاتینی»، او را معرفی کرده، شخصیتش را می‌کاوند و تحلیل می‌کنند. سبک نگارش کتاب بی‌شبهات به کارهای ماهرانه گاوایان که به حیوان نزدیک می‌شوند و در بزنگاه تکه‌ای از گوشت و پوست او را می‌کنند، شوخ طبعی نویسندگان، انتقاد بی‌ناکانه‌شان از خویشتن و نقل برخی بلاهت‌های خودشان که در سراسر این اثر دلنشین به چشم می‌خورد، از سببیت انتقاد

* - ترجمه‌ای است از مقاله ماریو وارگاس یوسا که در روزنامه ایتالیایی Corriere della Sera چاپ شده

می‌کاهد و به کتاب روح تازه‌ای می‌دهد. هر سه نویسنده را خوب می‌شناسم و می‌توانم با اطمینان بگویم که از معتبرترین نویسندگان امروزه هستند: پلینیو آپولیو مندوزا^۱ سال‌ها است که آماج تیر تروریست‌ها و قاچاقچیان مواد مخدر کلمبیائی است زیرا عملیات خرابکارانه آنان را در مقاله‌ها و گزارش‌های گوناگون، خستگی ناپذیرانه نکوهش کرده است. کارلوس آلبرتو منتانر^۲ پس از سال‌ها مبارزه علیه باتیستا^۳ و کاسترو، بیش از سی سال است از تبعیدگاه برای آزادی کوبا در تکاپو است. و بالاخره آلوارو وارگاس یوسا^۴ (پسر خودم، چه تصادفی!) که دولت فوجی موری^۵ پرو تا به حال سه حکم دادگاه علیه او به عنوان «خائن به وطن» صادر کرده است. تنها بدین دلیل که او جنگ احمقانه مرزی بین اکوادور و پرو را محکوم کرده. هر سه نویسنده در یک برهه از دوران جوانی، از چپ‌روان بوده‌اند (پسرم آلوارو انکار می‌کند اما من کشف کرده‌ام که در زمان دانشجویی در دانشگاه پرینستون، عضو یک گروه رادیکال بوده، کلاه مدل چه گوارا به سر می‌گذاشته و در تظاهرات علیه ریگان مقابل کاخ سفید شرکت می‌کرده). هر سه تن امروزه لیبرال هستند؛ از نوع بی‌پرده و بی‌عقده آن. خود من هم در همین جرگه می‌باشم. این لیبرالیسم گاه به آنارشسیسم پهلو می‌زند، آنگاه است که شخصیت اصلی این کتاب - دقیقاً همان «ابله» - از آن به عنوان لیبرالیسم افراطی یا بنیادی نام می‌برد.

بلاهتی که از این کتاب می‌تراود از آن نوع بلاهت مادرزادی و طبیعی، حالت روحی که فلوربر^۶ مجذوب آن بود - حماقت فرانسوی‌ها - و آنکه در اسپانیا TONTO DEL CULO و در پرو HUEVON ALA VELA می‌نامند، نیست. ابله مادرزاد، عواطفی همچون لطف و دلسوزی و همدلی برمی‌انگیزد، نه سرزتش و تحقیر و نفرت. گاه انسان در نهان به پاکی و صفای او غبطه می‌خورد، و شک می‌برد نکند او همان چیز... که ایمانیان «مقدس» می‌نامند، باشد. اما حماقتی که در این کتاب تشریح شده کاملاً از نوع دیگر است. راستش را بخواهید اختصاص به آمریکای لاتینی‌ها هم ندارد. زیرا می‌بینیم همچون جیوه فوار است و به همه جا ریشه می‌دواند. باسمه‌ای و عمدی و سنجیده است. ناشی از شست فکری، خواب آلودگی اخلاقی و فرصت‌طلبی مدنی است. ایدئولوژیکی، سیاسی و بیش از هر چیز سبکسرانه است. نشانه از دست دادن استقلال فکر و سنجش ناصحیح کلمات در برابر واقعیات است. دلیل بر سلطه لغاظی بر قوه اندیشمندانه است. مشرب مقلدان مبتذل و نشانه تعصب حکمفرمای مد روز است...

1 - Plinio Apuleyo Mendoza

2 - Carlos Alberto Montaner

3 - Batista

4 - Alvaro Vargas Llosa

5 - Fujimori

6 - Fuaubert

ابد

ترجمه شفق بهرانی



آنان که خود را با پیچ و مهره به رساله‌های عجیب و غریب علوم ماورای طبیعی پیوند می‌کنند خفقان آورند: می‌گویند «مسیحیت واقعی» همان نزاع طبقاتی، مرکزیت دموکراتیک، جنگ‌های پارتیزانی و مارکسیسم است. و یا وارد معقولات اقتصادی شده و به ضرب آمار و جدول‌های تطبیقی «من در آوردی» می‌کوشند ثابت کنند که هر دلار آلوده شرکت‌های آمریکایی یا اروپایی در حقیقت تأیید بقا و پیروزی مدل شایلوک [یهودی رباخوار] در تاجز و تیزی شکسپیر است؛ اصرار دارند که چنان مبادلات تجارتمی سود آوز به قیمت خون، عرق جبین و اشک ضمغای دنیای سؤم تحقق یافته.

بلاغت در همه علوم رخنه کرده: جامعه‌شناسی، تاریخ، علوم سیاسی و رسانه‌ای. همه نوع خماقت داریم: کاتولیک و پروتستان، انقلابی، محافظه‌کار، دست راستی، دست چپی و - افسوس - لیبرال. این کتاب، بیرحمانه اما با ذوق و شوخ طبعی، انواع آن را تحلیل کرده و کوبیده است. این گلچین ادبی ارزشمند، در طی سیزده فصل، انحرافات، کج اندیشی‌ها و گزافه‌گویی‌های پرت و پلا و هذیان آلود سوداگران اندیشه را لو می‌دهد: عقب افتادگی فکری.

جالب‌ترین جنبه این کتاب که لحن جدی آن در پس پرده کنایه آمیزی پنهان است، این که ثابت می‌کند: اکثر مکتب‌هایی که سعی دارند واقعیت‌های دردناکی همچون فقر، بی‌ثباتی و نابرابری‌های اجتماعی، بیکاری، بی‌کفایتی سازمان‌های مدنی و ورشکستگی نظام دموکراسی را

در آمریکای لاتین تجربه و تحلیل کنند، لجوجانه روشی نامعتبر به کنار می‌برند. این نظریه پردازان خود را به کوربه علمی چپ می‌زنند. به کاستی و عیوب خویش اعتراف نمی‌کنند، و به جای چاره‌یابی آنها عذر و بهانه و بجز طلبه^۱ را می‌جویند (امپریالیسم، شرکت‌های بین‌المللی، روابط غیر عادلانه مبادلات تجاری، پنتاگون، سید، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و غیره...). بدین ترتیب همواره خود را در موضع آسوده «قربانی» احساس کرده و با نیت یک در خطای خویش باقی می‌مانند.

برحسب اتفاق، پژوهش‌مندی‌ها منتاثر و پسرمن نظریه لارنس^۲، اقتصاد دان آمریکایی را که می‌گوید عقب ماندگی اجتماعی یک نوع بیماری روانی است، تأیید می‌کند. در این کتاب، تعریف عقب ماندگی ضعف و بزدلی دو برابر واقعیت حقیقی است؛ گرایشی است بیمارگونه به گریز و طفره زدن؛ جانشین کردن راستی با «تعمیلات جعلی» و «مروم است...» «ابله» آمریکای لاتینی به تاژگی اصول نوینی را به نظام نامه راه و رسمش افزودند.

(۱) تَف (ترجیحاً هنگام صرف نوشانه‌ها) حسد مادر و جانی برزآ^۳ مگر او همان نبود که صدقه و خیرات از فرمانروایان خود کلاه و سون آسمانی^۴ مسرتو^۵ و پاپا دک^۵ می‌پذیرفت؟ مگر هم او نبود که علیه سقط جنین مؤثرترین درمان مراضه اجتماعی، مبارزه می‌کرد؟

(۲) پشتیبانی از آن بی‌شعور ماسکوار مکزیکی، فرمانده مارکوس، که هنوز در این عصر بدبینی انقلابی، بر این عقیده است که به کار گرفتن اسلحه کوتاه‌ترین راه برای دسترسی به عدالت است.

(۳) حمایت از ممالک متمدن اروپا در مقابل تعرض «پی‌فرهنگی» آمریکای شمالی، برقراری موانع گمرکی علیه فیلم‌های هالیوودی و تحمیل سهمیه در سینما و تلویزیون به منظور نجات فیلم سازان محلی از سلطه گهر رقیبان جوراسیک.^۶

(۴) مقابله با نظام وحشیانه سرمایه‌داری آمریکای شمالی - نظامی که بنا بر عقیده «ابله»، غنی را غنی‌تر و مسکین را مسکین‌تر می‌کند - از راه برقراری الگوی اروپایی سوسیالیسم و سازمان‌های سخاوتمند بیمه‌های اجتماعی و مددکاری اجتماعی. این قالب اروپایی - حتی

۱ - اشاره به کفار مرتکب گناه دیگران در تورات (م).

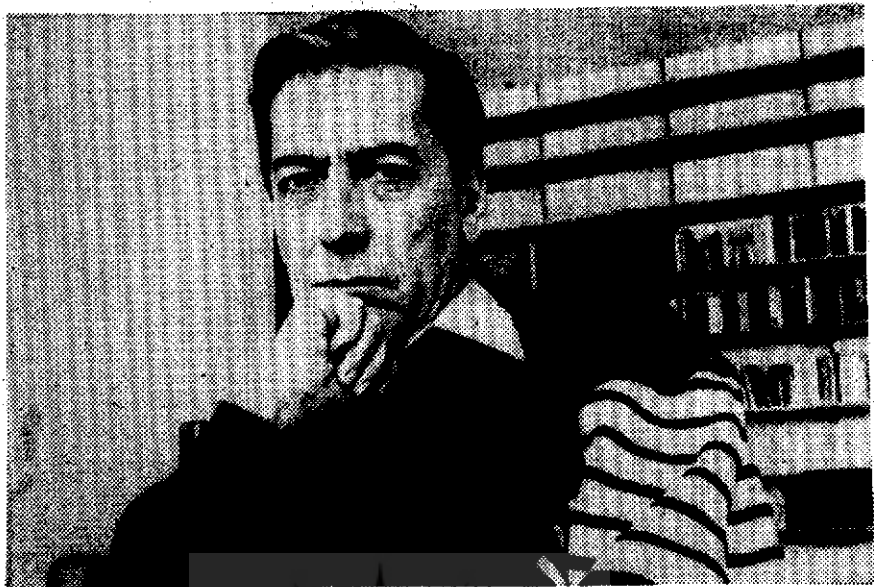
2 - Lawrence E. Harrison

3 - Mother Teresa

4 - Mobutu

5 - Papa Doc

۶ - اشاره به فیلم Jurassic Park اثر (م) Steven Spielberg.



• ماریو وارگاس یوسا

به قیمت فقر و بیکاری و فشار مالیاتی و ورشکستگی کارخانه‌های محلی در بازار بین‌الملل نوعی ترقی انسانی و عادلانه را تضمین می‌کند.

۵) «ابله» هزارهٔ دوم تعصب طالبان کابل را محکوم می‌کند. اینان زنان را ختنه سنتی می‌کنند، آنها را از درس خواندن و کار و آزادی محروم می‌کنند. اما در عین حال «ابله» سنت‌های هر ملت را موجه و قابل احترام می‌شمارد، و این موضع را به هیچ وجه نژاد پرستانه، خودپرستانه و نشانهٔ ارزش‌های فرهنگ مصرفی غرب، نمی‌داند.

«ابله»، این نادانی که ادعای عقل دارد، چه در این سو و چه در آن سوی اقیانوس اطلس، زنده و پر رونق است. و افسوس که مسلح به قالب‌های جدید سفسطه و نیکخواهی کذایی به هزارهٔ سوم گام می‌گذارد.